

سیرت
نبی کریم - اقتصاد



پروگرام مطالعاتی و تحقیقاتی
پرتال جامع اسلامی
سیرت نبی کریم

تاریخ را کنار زن از رسم امتیاز
در آفتاب سایه شاه و گدا یکی است
صائب

تردید، نداریم که تاریخ را می‌شناسید!

شناخت تاریخ شناخت هویت انسانهاست؛ ملتی که تاریخ ندارد و گذشته خود را نمی‌شناسد، در دیار هستی گم شده‌ای را ماند که راه‌پیمای وادی عمری است بدون آثار و نشانه‌های عبور. در روزها نه خورشیدی فرا راهش می‌تابد و نه چراغی شبهای تاریک و هراس‌انگیزش را روشن می‌کند. باید تاریخ را به عنوان چراغ راه آینده ملت‌ها باور داشت! مگر نه این است که انسانی در میان کلیه موجودات جهان نقطه ثابتی از محیط خود نیست؛ و این توانائی را دارد که با تفکر و تعقل خود به‌طور دائم طبیعت و محیط‌زیست را تغییر دهد، و پرده از اسرار حیات مادی و معنوی جهان خود بردارد.

این وجود کاوشگر سر بدرون همه پنهانی‌ها فرو می‌برد نه شبهای مهتابی را بدون دانستن علت مهتاب رها می‌کند و نه چشمک ستارگان را از دید کنجکاو خود دور می‌دارد؛ اعصار و قرون را می‌شکافد و برای شناختن گذشته‌های خویش به تقسیم و زمان‌بندی آن می‌پردازد. از دورانی که نشان و مدرکی ندارد و درحقیقت هنوز الفبا و خط را ایجاد نکرده است و نمی‌تواند سند و نشان نوشتاری به‌دست آورد، آن‌را دوره قبل از تاریخ «Prehistoire» می‌نامد، و همان را نیز به عصر حجر و عصر فلزات تقسیم می‌کند تا بتواند بهتر به آنچه در گذشته پیش آمده پی‌برد. حالا بگذریم از آنکه همین عصر حجر، یعنی زمانی که انسانها ابزار لازم زندگی را از سنگ می‌ساخته‌اند، باز هم برایش مشکل می‌آفریند و به‌نظرش می‌رسد که بهتر است این دوره را هم برای سهولت در کنجکاوای به دوره پارینه‌سنگی و میانه‌سنگی و نوسنگی تقسیم و نامگذاری نماید؛ و آنگاه در اعماق آن فرو رفته تا با دیدن تکه‌سنگی که ساخته یکی از دستهای خاک شده هزاران سال پیش است، صدها رمزو راز از زندگی‌ها به‌دست آورد. این همه تلاش و کاوش برای آنست که تنها به‌این

سؤال پاسخ دهد که: «در گذشته‌های دور چه بوده و چه کرده‌ام؟» پاسخ به همین سؤال کوتاه و ساده، آفریننده تاریخ است؛ علمی که توانسته سیر تکامل فرهنگ و تمدن انسانها را روشن کند و اخلاق و روحیات آدمیان را بررسی نموده، اسرار ترقی و زوال حکومت‌ها را آشکار سازد. و تاریخ را جز این رسالتی نیست که: در راه آیندگان نشانه‌های عبور را چنان نصب نماید که راه زندگیها از بیراهه و گمگشتگی‌ها جدا و مشخص شود و اگر تاریخ را به علم عبرت‌ها تعبیر نموده‌اند درست و پرازنده آن است.

کشف و آگاهی از آنچه بر روی زمین گذشته نباید بر انسان که یکی از بافت‌های دقیق و مهم حیات است نایافته باقی ماند. انسان می‌خواهد بداند و باید هم بداند که ارتباط او با توالی سالها و قرون گذشته‌اش چیست و چگونه بوده است؟ زیرا با دانستن چنین رازی خواهد توانست آینده خود را آنچنان که شایسته اوست تنظیم و تعیین کند، آن روزی که انسان دانست می‌تواند سنگی را برای ساختن سر پناهش درهم‌شکند، آگاه شد که به شکستن اتم نیز دست خواهد یافت؛ چه شکستن سنگ در حیطه علم و آگاهی او در آن زمان و شکستن اتم در قلمرو دانش او در این زمان است. و این خود تاریخی به طول هزارها سال دارد. درست است که انسان یافت حیات را نمی‌سازد ولی هم او است که «بافت حیات را می‌شناسد» و با این شناختن خود را به اعماق آسمانها می‌رساند؛ در حالی که دل هر ذره را می‌شکافد با ساکنان حرم سر عفاف ملکوت به گفتگو می‌نشیند. چنین موجودی باید که گذشته خود را بداند و به‌هویت اصیل و بهستی خود پی‌برد تا راه برگشتن به اصل خویش را گم نکند.

شکافتن و هموار نمودن چنین راهی مستلزم رنجهای جانکاهی بود که انسانها متحمل آن می‌شدند. راه‌یافتن از گذشته به آینده از بدایع زندگی و حرکت انسانهاست. در طول این مسیر گذشتن از ظلمات و به چشمه حیات راه‌یافتن است و آن روزهایی که بشر توانست به‌جای ابزار و آلات سنگین از وسائل فلزی مس و مفرغ بهره‌گیرد، جهشی دیگر در راه تکامل حیات تاریخی خود داشت. کمابیش در حدود شش هزار سال پیش از میلاد انسانها موفق شدند فلزات (مس - مفرغ) را از دل سنگها جدا سازند و سپس در سالیان متمادی بعد به اختراع گاوآهن و چرخ موفق گردند و بعد هم به عصر آهن پا گذارند. تلاش خستگی‌ناپذیر انسان برای دریافتن گذشته تنها به‌خاطر استحکام بخشیدن به بنای زندگی آینده است؛ و اگر جز این باشد بیسوده کاری است که بار به این گرانی را با این همه دقت به دوش کشد، ولی

همتم با مایه‌داران در ره سیر کمال خون خود با خون‌بها در دامن تاریخ ریخت

و این تاریخی که مخزن اسرار زندگیها و به اصطلاح فاخر گوینده خون و خونبهای تلاشگران و جویندگان مبانی هستی است باید که چگونه پدید آید و حامل چه پیامی برای نسلهای آینده باشد؟ آیا کافی است به این اکتفا نمائیم که در زیر تقسیماتی چون، تاریخ ملی، تاریخ عمومی و یا تاریخ قرون باستان، تاریخ قرون وسطی، تاریخ جدید، تاریخ معاصر تنها به نگارش آنچه اتفاق افتاده پرداخته از علل و قانونمندیهای آن نظر بازگیریم؟ و آیا چنین تاریخی نمی‌تواند نقض غرض باشد؟ به خاطر آنکه تنها ذکر حوادث و اتفاقات در سیر زندگیهای ملل بدون بیان و تحلیل علت چه مایه‌ای از عبرت دربردارد و کدام چراغ بی‌روغنی است که تنها به صرف چراغ بودن بتواند نوری در راهی پراکنده کند و موجب تشخیص راهی از چاهی باشد؟

از بدیهیات است که آنچه بر زمین می‌گذرد بر فرزندان زمین هم خواهد گذشت و هر آسیبی به بافت حیات برسد آسیبی است که مستقیماً به وجود انسان خواهد رسید. باور داریم که تنها شرح افسردن و مردن بافت‌های حیاتی برای بقای ماهیت حیات کارساز نیست؛ باید آسیب را شناخت و جریان ایجاد و حرکت آنرا روشن ساخت تا آنکه توان یافت تا از رسیدن آسیب‌ها به اصل و منشأ حیات مانع شد! این است که ما بقای تحقیقات و مطالعات خود را بر اصل جریان‌شناسی تاریخ نهاده و پدیده‌ها و به زبان ساده رویدادهای تاریخی را زائیده این جریانهای نقابدار می‌دانیم. در حقیقت عوامل ایجادکننده تاریخ پرده‌داران عناصر اصلی آنند و ارتباط میان این عوامل و عناصر، جریان یا جریانتهائی است که شناخت آن می‌تواند ماهیت واقعی تاریخ را برای انسان امروز و نسلهای آینده روشن و آشکار سازد. چنین تاریخی است که آیندگان با خواندنش شمی نیستند که بر خاک اسکندر می‌سوزند، بلکه فریادگری خواهند بود که خورشید را به دست گرفته فرا راه آنانی که می‌آیند ایستاده به سوی منزلگاه امن و سعادتشان می‌خوانند.

بخش سیاسی-اقتصادی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران با چنین هدفی کار مطالعه و تحقیقات خود را آغاز نمود؛ آغازی که پایانش زمانی فرا خواهد رسید که انسانها به کمال مطلوب دست یافته در وادی ایمن جای گیرند و با علم به گذشته در راهی گام نهند که امنیت و عظمت آنان را تا رسیدن به منزلگه محبوب تضمین نماید. معلوم است کاری شگرف را آغاز کرده‌ایم که تنها خراشی بر کوهی سبتر ایجاد شود و روندگان حقیقت را روزنه‌ای و یا نشانی برای سپردن این راه سپربلا باشد؛ که: روندگان حقیقت ره بلا سپرند.

مطبعا بخش سیاسی-اقتصادی نمی‌توانست به بررسی تاریخی به پردازد که در طی صدها سال بر روی هم انباشته و از هر جریانی در مسیر خود دهها جریان تاریخی

کوچک و بزرگ، پیدا و ناپیدا به وجود آورده است. مگر نه این است که سلطنت و استبداد در همین سرزمین ما دو جریان مهم تاریخی دیرپائی است که هر کدام به تنهایی صدها سلسله برپای و هزاران تیغ آخته بهر گردن دارد؟ کدام تاریخی است که بتواند مجموعه نیروهائی که از بدو پیدایش اسلام تاکنون در مقابل آن ایستاده و با همه توان خواسته جهان را بر آن تنگ نماید مشخص نموده هر جریان ناشی شده از آنرا ریشه‌یابی و بررسی نماید؟ کدام مورخی است که واقعا اعتقاد داشته باشد یکصد سال جنگهای صلیبی فقط به خاطر بازگیری قسطنطنیه و یا بیت المقدس از دست مسلمین بود نه برای براندازی اسلام و جلوگیری فراگیری آن در اقصی نقاط اروپا؟ به همین سیاق هم از بدو ورود اسلام به ایران صدها جریان تاریخی و تاریخساز در مقابل آن به صور مختلف قدمم کرد و حتی در خود سرزمینی که طلوع خورشید اسلام در آن وقوع یافته بود، در حقیقت داستان سقیفه يك حادثه تاریخی نبود بلکه يك جریان تاریخی بود که در مسیر زمان به حرکت درآمد.

با این نظر مسئله خلافت (اموی - عباسی - ترکان عثمانی) که در مقابل ولایت و امامت قدمم کرد خود دو جریان عمده در تاریخ اسلام گردید که باز شعبه‌های متعددی از آن جدا شده و در مسیر زمان جاری شد.

بخش سیاسی - اقتصادی که وقت و نیروی کافی برای بازیابی و انعکاس تصویر این جریانها را در طول قرن‌ها نداشت و از طرفی می‌بایست برنامه مشخصی را در طول زمانی معین دنبال کند، ناچار گردید برنامه‌ریزی کار خود را از قبل از مشروطه (دوران قاجار) و نهضت تنباکو آغاز و به عنوان مبدا تا انقلاب مشروطه را به‌طور اجمال بررسی نموده و از حاکمیت مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ را با دیدی وسیعتر بنگرد، سپس از کودتا (۱۲۹۹) تا شهریور ۱۳۲۰ را مورد مطالعه قرار داده و این بحث را به‌صورت نسبتاً جامع ولی با نهایت اختصار تا ۱۳۳۲ و از آنجا تا سال ۱۳۴۲ پیش آید که در مجموع زمینه تدوین تاریخ انقلاب را فراهم ساخته و مجموعه جریانهای سیاسی - اقتصادی را که منجر به ایجاد انقلاب و پیروزی آن گردید بشناسد و عوامل و عناصر آنرا در مقاطع ذکر شده بازآید، و آنگاه متن تاریخ مورد نظر را طبق برنامه و دستور کار بنیاد تاریخ از سال ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷ به‌طور گسترده و مفصل تنظیم و تدوین نماید.

بخش سیاسی-اقتصادی در مسیر مطالعات و تحقیقات خود دو اصل مهم تاریخساز را، که از آن به‌نام دو جریان بنیانی تاریخ یاد می‌کند، اساس کار خود قرار داده و در حقیقت توالی حوادث تاریخی را که در رابطه علت و معلولی دارای هدفی مشترکند جریان تاریخی می‌نامد و معتقد است در حیطة و گستره تاریخ دو جریان

ریشه‌دار اصلی وجود دارد که در طول عمر بشر همواره مورد نظر بوده و ملتها با توجه به فرهنگ و آگاهی خود کمابیش آنرا می‌شناخته‌اند. این دو جریان که پایه و اساس تاریخ را در کل تشکیل می‌دهد یکی جریان بالنده و شکوفائی انسان است که فراسوی نیکی و سازندگی است و به تعبیر قرآن فلاح و رستگاری است. در مسیر این حرکت همه پدیده‌ها نقش عناصر سازنده را پیدا می‌کنند و نیروی محرکه و سلسله‌جنبانان آن انسانهای والا و پویندگان راه حق و حقیقت‌اند که بندگان مخلص خداوندند و با شناخت کاملی که از این راه دارند به اصالت آن اعتقاد راسخ داشته‌اند و جستجوگر این طریق‌اند.

دومین جریان اصلی تاریخ جریان خود محوری، و سلطه و به‌اصطلاح قرآن استکبار است که پایه‌گذار و مظهر آن ابلیس بوده و دارای ویژگی خاصی است که از آن جز گمراهی و تخریب ناشی نمی‌گردد. در بین این دو نیرو حرکت‌های کوری وجود دارد که حاصل آن پراکندگی و بی‌ثباتی جامعه‌ای است که در وادی ایمن جریان او جای گرفته و اگر چه این خود وابسته به جریان دوم است لیکن می‌توان این حرکت‌های کور را به سومین جریان تاریخی تعبیر نمود.

با اندک دقتی می‌بینیم که تاریخ اقوام و ملل هیچگاه فارغ از این سه جریان اساسی نبوده و همواره به مرور زمان شمه‌هایی از هر کدام به وجود آمده و در مسیر تازه‌ای روان گشته و ترقی یا زوال ملتها را به وجود آورده است. تبدیل و تغییر در جریانهای تاریخی سوابق دیرپائی دارد زمانی که تاریخ می‌گوید قدرت ایجاد سلطه می‌کند این پدین معنی نیست که هر قدرت و سلطه‌ای ناشی از جریان استکباری است مهم این است که قدرت و سلطه در مسیر انسان‌سازی و سازندگی و فلاح به کار گرفته شود و از ویرانگری و انحراف از راه حق و حقیقت به دور باشد. براین اساس و اصولی که اجمالاً بیان نمودیم، بخش سیاسی - اقتصادی مباحث ذیل را با دیدگاههای خاص خود مورد تحقیق و بررسی قرار داده و امید دارد در آینده‌ای نه چندان دور در معرض دید صاحب‌نظران و تاریخ‌شناسان ارجمند ایران - زمین قرار دهد:

- ۱- قراردادهای استعماری از بعد سیاسی - اقتصادی (ریشه‌یابی و تحلیل) - که قسمتهائی از آن در فصلنامه یاد انتشار یافته است.
- ۲- نفت و مسائل سیاسی - اقتصادی آن.
- ۳- خلیج فارس از دیدگاه سیاسی - اقتصادی.
- ۴- اصلاحات ارضی و مسائل سیاسی - اقتصادی مربوط به آن.
- ۵- احزاب و گروه‌ها - سیاسی - .
- ۶- روحانیت از دیدگاه سیاسی - اجتماعی.

۷- حاکمیت - سلطنت - استبداد با ابعاد سیاسی.

۸- حاکمیت ملی - مفاهیم وطن - ملیت - آزادی، از دیدگاه سیاسی - اقتصادی، یادآوری می‌کنیم که اگر در مباحث ۸ گانه مورد تحقیق ما ارتباط منطقی کامل به معنی خاص خود کمتر دیده می‌شود به خاطر آنست که فعلا هر بحثی به طور مستقل در برنامه کار بخش سیاسی - اقتصادی گنجانیده شده و در حقیقت زمینه کار آینده این بخش را تشکیل می‌دهد، و زمانی که با مباحث بخشهای دیگر بنیاد هماهنگت گردید، به ارتباط مورد نظر خواهد رسید.

مباحث ۱ و ۲ آخرین مراحل تکمیلی خود را می‌گذرانند و به صورت مستقل خود دو کتابی است که می‌تواند در حدود یکم هزار و پانصد صفحه را به خود اختصاص دهد و مباحث ۴ و ۵ هر کدام نیمی از راه خود را طی نموده‌اند.

بخش سیاسی - اقتصادی تاکنون توانسته است ۲۴ جریان تاریخی را که ناشی از سه جریان اصلی تاریخ است شناسائی نموده و هر کدام را در مباحث موضوعه خود باز یابد. پیش‌بینی و تعیین زمان دقیق پایان یافتن برنامه کار بخش سیاسی-اقتصادی که گسترده‌ترین مباحث تاریخ را به عهده دارد کار آسانی نیست، ولی تلاش و کوشش شبانه‌روزی ما به خاطر آن است که پاسخگوی نیازی باشیم که بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی از ما و جامعه از آن دارد.

در پایان این مقال باید خاطر نشان سازم که بخش سیاسی-اقتصادی در کنار کار اصلی خود فعالیت‌های دیگری را نیز عهده‌دار بوده است که در این زمینه باید از تدوین کتاب مدرس، جلد اول، از انتشارات بنیاد تاریخ نام برد، و نیز تمهیه اسناد تاریخی انتشار نیافته فصلنامه را نیز فراموش نکنیم.

در طی این مدت یعنی از چهار سال پیش به گردآوری و تصحیح نطقهای مدرس در مجلس شورای ملی پرداختیم و شأن نزول و تفسیر و شرحی کامل بر آن نگاشتیم که بنیاد تاریخ جدا از برنامه کار خود به طبع رساند و هم‌زمان در طی برگزاری کنگره بزرگداشت پنجاهمین سال شهادت مدرس چه در سخنرانی دبیرکل بنیاد و چه در فصلنامه یاد انتشار نطق‌های مدرس را به صورت کامل با شرح و بسط کافی اعلام نمودیم. ولی این مجموعه ارزنده تاریخی به حکم وسواس خارج از حدی که در مورد آن اعمال شد و به علت تجدید نظر متعدد و پی در پی، کار طبع و انتشارش به تعویق افتاد که خوشبختانه یکی از مدرس‌دوستان پیشدستی نموده و این مهم را به سرعت به انجام رسانید و موجب آسودگی مقال و مسرت حال بخش سیاسی - اقتصادی بنیاد گردید.

در حال حاضر در کنار برنامه اصلی خود، بخش سیاسی - اقتصادی، پی‌گیر شرح و تصحیح دو کتاب مهم تاریخی دیگری است از مدرس که امیدواریم اوراق

زرد و قه‌بار گرفته آن در آینده تبدیل به مجموعه‌ای گردد که کلمات سیاهش بر صفحات سفید روشن‌گر يك دوره مهم از تاریخ ملت ما باشد. و دیگر کاری که در دست تدوین و تنظیم است یادداشت‌های فرزند مدرس در مورد فعالیت‌های سیاسی پدرش از زمان ورود به تهران تا زمان توقیف و زندانی شدن او در خواب است، این مجموعه را نویسنده زیر عنوان «همراه پدر» تدوین نموده است. این دفتر نیز می‌تواند بسیاری از جزر و مدهای سیاسی را از نیمه آخر دوره دوم تا ششم مجلس شورای ملی برای تاریخ ریشه‌یابی نماید.

بود کسار مورخ همچو سوزن که خود لخت‌است و دائم جامه‌دوزد

□ علی مدرسی

